

نوشتاری از حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

راهکارهای جذب کودکان و نوجوانان به نماز

همه والدین می دانند یکی از آموزه های مهم دینی که نقش بسیار موثری در تربیت فرزندانشان دارد، **نماز** است. لذا به دنبال شیوه های کاربردی برای جذب و علاقه فرزندانشان به نماز می باشند.

یکی از دغدغه های بسیاری از مادران و پدران محترم، تربیت دینی کودکانشان است. همین امر سبب شده تا به دنبال یک روش موثر برای جذب کودکانشان نسبت به آموزه های دینی باشند. از سوی دیگر؛ همه والدین می دانند یکی از آموزه های مهم دینی که نقش بسیار موثری در تربیت فرزندانشان دارد، نماز است. لذا به دنبال شیوه های کاربردی برای جذب و علاقه فرزندانشان به نماز می باشند.

به گزارش سرویس علمی- فرهنگی خبرگزاری حوزه حضرت آیت الله مکارم شیرازی در نوشتاری راهکارهای جذب کودکان و نوجوانان به نماز و آموزه های دینی را تبیین نمودند

متن نوشتار این مرجع تقلید به شرح ذیل است: با توجه به اینکه اجرای هر برنامه ای باید خالی از افراط و تفریط و رعایت نکات تربیتی باشد، از سوی اهل بیت (ع) رهنمودهایی در این باره آمده است که می تواند برای این دسته از والدین بسیار حائز اهمیت باشد.

دغدغه و حرص این دسته از والدین گرامی در تربیت فرزندانشان بخاطر سفارشی است که در سخنان پیامبر اکرم (ص) آمده است که: «ادبوا اولادکم فانکم مسئولون: (۱) فرزندان خود را تربیت نمایید که در برابر آنان مسئولید». امیر المومنین (ع) نیز می فرماید: «اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم: (۲) فرزندانان را گرامی بدارید و آنان را نیکو تربیت و ادب کنید».

پدر و مادر گرامی نیز در قبال فرزندانشان احساس مسئولیت می کنند و سعی در تربیت آنان دارند. بسیاری از والدین از دوران کودکی به دنبال آموزش نماز به کودکانشان می باشند. چرا که نماز یکی از مهمترین آداب و دستورات اسلامی است و تاثیر بسزایی در هموارسازی راه تربیت فرزندان دارد.

*اهمیت نماز

در آیات قرآن کریم، بیش از ۱۲۲ آیه پیرامون نماز وارد شده است که دلالت بر اهمیت این دستور الهی دارد. همچنین تعبیراتی که در احادیث ائمه(ع) در مورد نماز آمده همین مطلب را تایید می کند. گاهی نماز به منزله سر در بدن قرار گرفته، و گاهی اسلام بر پنج پایه تصوّر شده است که یکی از آنها نماز است.

پیامبر اسلام(ص) نماز را نور چشم خود می داند،(۳) و یا آن را بسان معشوقه ای توصیف می کند که هم صحبتی با او هر سختی را گوارا می سازد.(۴)

آری نماز فروغ چشمی است که سایر اعضاء با آن مسیر خود را می یابند و میزانی است که همه اعمال با آن سنجیده می شود(۵) و کسی که میزانش را بر ندارد در روز قیامت اعمالش را چگونه محاسبه خواهند کرد؟! (۶)

نماز آن گونه است که، پیامبران الهی نیز به آن سفارش شده اند و از سفارش کنندگان به آن بوده اند. پیشوایان الهی چه در طول حیات پر برکت خود و چه در لحظات واپسین زندگی همواره به نماز عنایت داشته اند.(۷) حضرت ابراهیم(ع) در جهت اقامه نماز، همسر و کودک خویش را در بیابانی بی آب رها می کند(۸) و با این حال از خداوند تقاضا دارد تا او و فرزندانش را در زمره اقامه کنندگان نماز قرار دهد.(۹) چه سعادت است اقامه نماز که حضرت عیسی(ع) می گوید: «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (۱۰) مادامی که در حیاتم به نماز و زکات توصیه شده ام». حضرت موسی(ع) نیز مامور به اقامه نماز است.(۱۱) و لقمان حکیم فرزندش را به اقامه نماز توصیه می کند(۱۲) و سرانجام نماز بر همه مومنان نوشته شده است(۱۳) تا از این چشمه جوشان بهره گیرند(۱۴) و به معراج رسند.(۱۵)

پیامبر اسلام(ص) نیز از سوی خداوند مامور است تا خانواده خویش را به نماز فراخواند و خود نیز بر این امر پایداری کند (وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا). (۱۶) چراکه نماز معراج مومن است، و هر کس از عروج باز ماند در سقر زمین گیر خواهد شد (مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ) (۱۷)

*فوائد و آثار نماز خواندن فرزندان

*گرایش به امور پسندیده



نماز از آنجا که ارتباط با خداوندی است که سرچشمه همه خوبی هاست، فرزندانان را به کار های پسندیده دعوت می کند. شرایطی که برای نماز بیان شده و نمازگزار باید آن را رعایت کند، به گونه ای طراحی شده که او را نا خداگاه به سمت خوبی ها سوق می دهد. مسائلی مثل غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار، وقت شناسی و همراهی او با اجتماع و... از این مواردند. این مسئله به سادگی قابل درک است که نماز تنها نماز نیست بلکه رفتاری آموزشی است که یک مجموعه صفات و افکار پسندیده را در نهان انسان نهادینه می کند. چنانکه مشرکین هنگامی که با حضرت شعیب(ع) به جدل می پرداختند به این نکته - هر چند از روی تمسخر - اشاره کرده اند و به او گفتند: «يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ: (۱۸) ای شعیب! آیا نمازت به تو دستور می دهد که آنچه را پدرانمان می پرستیدند، ترک کنیم؛ یا آنچه را می خواهیم در اموالمان انجام ندهیم؟!»

*دوری از گناه و جرایم

ردائل و رفتارهای ناپسند مصادیق فراوانی دارند. با این حال یکی از آثار مهم نماز، محافظت نمازگزار از همه این گناهان است. اگر قرآن می گوید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (۱۹) یعنی اینکه نماز شما را از هر آنچه که از مصادیق فحشا و منکر است باز می دارد. البته اگر برخی از نمازگزاران به گناهی آلوده می شوند بخاطر اینست که به همان میزان به نماز توجه و عنایت نداشته اند.

دو نکته را باید مورد دقت قرار دهیم : ۱- اینکه هر چه به نماز توجه و ارزش بیشتری قائل شدیم از گناهان به همان میزان بیشتر دور می شویم. به عنوان نمونه حضرت فاطمه(س) نماز را عامل دوری از تکبر می دانند.(۲۰) ۲- اینکه باید مراقب باشیم اگر به هر علتی گناهان پر رنگ شدند و بر توجه ما به نماز غلبه کردند به همان میزان، از لذت و روح نماز ما کاسته خواهد شد. این حالت بسیار خطرناک است به گونه ای که بعضی افراد با آلوده شدن به گناهان نماز خواندن بر ایشان بی مفهوم می شود لذا تارک نماز می شوند و روز به روز در گرداب گناهان بیشتر فرو می روند.

* آرامش بخش و شجاعت آفرین

هر کسی به فکر آرامش خود و اطرافیانش می باشد. هر پدر و مادر دلسوزی با استرس و اضطراب فرزندش و یا با ترس و دلواپسی او دچار غم و اندوه می شود. قرآن یاد خداوند را آرامش بخش دلها می داند(أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (۲۱) و از سوی دیگر نماز را بهترین وسیله برای ذکر و یاد خدا می داند (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي). (۲۲) با این توصیف فرزندان ما اگر اهل

نماز و راز و نیاز باشند علاوه بر اینکه دل‌هایشان مملو از آرامش است، طبق بیان قرآن ترس و خوفی نیز به دلشان راه نمی‌یابد. (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ... لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ). (۲۳)

* موفقیت و احساس کامیابی

هر چند سعادت واقعی مربوط به جهان دیگر است و مومنان نماز خوان طبق قرآن در سوره مومنون به رستگاری و سعادت می‌رسند اما این افراد در همین دنیا هم گوی سبقت را از دیگران ربوده اند چراکه آنها از خداوند یاری می‌طلبند. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ) (۲۴) و خداوند نیز گفته است که نماز گزاران را تنها نمی‌گذارد (قالَ اللهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ). (۲۵) حال اگر فرزندانمان را به نماز خواندن و ارتباط با خداوند آشنا کنیم، او را به منبعی از قدرت و اقتدار که سرشار از اعتماد و امید است رسانده ایم. هرگاه از بدی روزگار و مشکلات پیش رو صدای ناله افرادی بلند شد، آنها با اراده ای مستحکم پیش می‌روند و در جا نمی‌زنند. (إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا. وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرٌ مَنُوعًا. إِلَّا الْمُصَلِّينَ. الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ). (۲۶)

* اصول کلی جذب کودک به امور دینی

* محبت و مهرورزی

محبت و مهرورزی یکی از اصول تربیتی اسلام است که تاکید فراوانی به آن شده است. شخصی که محبت و مهر کسی را به دل می‌نشانند ناخواسته به تقلید از او پرداخته و الگوگیری از رفتار و اخلاق او می‌کند مانند او لباس می‌پوشد، مانند او سخن می‌گوید و از رفتارهای او در موقعیت‌های متفاوت نسخه برداری می‌کند. هر چه آن شخص دوست دارد، برایش دوست داشتنی می‌شود. و هرچه بد می‌داند، از چشم او می‌افتد. گاهی اوقات دوستی و محبت به حدی می‌رسد که از شخص، فردی مرید؛ و مطیع چشم و گوش بسته می‌سازد.

خداوند نیز کسانی را که دم از محبت الهی می‌زنند، اما مطیع نیستند را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ: بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید؛ تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد». (۲۷) هرچند نیاز ضروری فرزندان به محبت و عاطفه را نمی‌توان انکار کرد، اما از آثار و پیامدهای محبت و عاطفه و تاثیرات تربیتی آن نباید غافل شد. به هر حال در اسلام به والدین توصیه شده است تا محبت خویش را از فرزندان دروغ ندارند.

امیر المومنین(ع) نیز می فرماید: «لینتأسّ صغیرکم بکبیرکم و لیرأف کبیرکم بصغیرکم و لا تکنوا کجفأه الجاهلیه: کودکتان باید در رفتار خود پیرو بزرگان باشد و بزرگترها، باید نسبت به کودک، رؤف و مهربان باشد. مبادا مانند جفاکاران و ستمگران دوران جاهلیت رفتار کنید».(۲۸) با دقت در سخن حضرت(ع) رابطه میان اطاعت و پیروی، با رافت و محبت به روشنی قابل درک است. کوچکترها به پیروی از بزرگترها توصیه شده اند و بزرگترها سفارش به رفتار محبت آمیز با کودکان شده اند. گویا حضرت(ع) این دو را در گرو یکدیگر می دانند و به عنوان یک رفتار متقابل از سوی کودکان و والدینشان لحاظ می کنند.

اما در مورد چگونگی محبت و مهرورزی به کودکان تا حدّی مربوط به فطرت و تا حدّی مربوط به عرف جامعه دارد. در هر صورت معصومین(ع) برای ابراز محبت خود نسبت به فرزندانشان از نوازش، بوسیدن و ... بهره می جسته اند.

در مورد پیامبر اسلام(ص) نقل شده است که: «إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُؤُوسِ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ: همه روزه صبح، دست محبت به سر فرزند خود و فرزند فرزندش می کشید».(۲۹) ایشان مسلمانان را به ابراز محبت و بوسیدن فرزندانشان سفارش می کردند و در مقابل آن حسنه(۳۰) و مقام های بهشتی(۳۱) را وعده می دادند. هنگامی که شخصی نزد پیامبر(ص) آمد و عرض کرد که هیچ کدام از فرزندانش را تاکنون نبوسیده است، ایشان آن مرد را اهل آتش دانست.(۳۲)

بنابراین، باید به فرزندان عشق ورزید و آنها را مورد لطف و مهربانی قرار داد. زیرا «کسی که نسبت به فرزندش محبت کند مشمول رحمت الهی می شود».(۳۳)

* تشویق و ترغیب

در تربیت اسلامی به تشویق و ترغیب توجه ویژه ای شده است و خداوند از این طریق بندگان را به سوی خوبی ها سوق می دهد.

قرآن به شیوه های گوناگونی به تشویق پرداخته است. آیاتی که نعمت های بهشتی را بیان می کنند و آیاتی که از بشارت سخن می گویند، از این دسته آیات می باشند. یکی از اوصاف پیامبران الهی(ع) در قرآن «مبشّر»(۳۴) بیان شده است. بشارت هایی در قرآن از جمله «لَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ»(۳۵)، «لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ»(۳۶)، «لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ»(۳۷)، «أَجْرٌ كَبِيرٌ»(۳۸)، «لَهُمْ عَقَبَى الدَّارِ»(۳۹)، «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»(۴۰)، «أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»(۴۱) و...، نمونه هایی از آیات بشارت آمیز قرآن اند که به تشویق بندگان برای انجام کارهای نیک می پردازند.

یکی از راه های جذب فرزندان به سوی آموزه های دینی و نماز، تشویق و ترغیب است. تشویق اگر به گونه ای پسندیده و بجا باشد، بسیار کارساز است. تاثیر تربیتی تشویق، گاهی چنان است که جهت زندگی افراد را دگرگون می سازد. اگر تشویق قبل از انجام عملی پسندیده باشد، موجب شوق و رغبت شخص می شود، و اگر پس از انجام آن عمل باشد؛ سبب تقویت و پایداری این رفتار در او می گردد. لذا والدین محترم می توانند در دو مرحله فرزندان را به نماز دعوت کنند. ابتدا آنها را ترغیب به نماز خواندن کنند و در صورت انجام، به تشویق آنها بپردازند. با توجه به اینکه تشویق فرزندان نوعی توجه و شخصیت دادن به آنها است، سعی می کنند خود را از کانون توجه و



محبت والدین دور نسازند. از این طریق به تکرار عمل یا رفتار مورد نظر پرداخته، تا جائیکه جزئی از شخصیت رفتاری آنها می گردد. تشویق کودک، می تواند یک تشویق مادی یا معنوی باشد. پاداش و تشویق مادی حتی می تواند با خرید یک شکلات، اسباب بازی، یا یک گردش تفریحی، و بازی و سرگرمی صورت گیرد. البته، هر چند این

نوع پاداش ها خوب است، اما نباید از پاداش های معنوی و روحی نیز غفلت کرد. گاهی یک آفرین و نوازش تاثیر بیشتری دارد. نقل شده است که پسر بچه ای در نزد پیامبر (ص) عطسه کرد و سپس گفت: «الحمد لله». پیامبر اسلام(ص) به او فرمود: «بَارَكَ اللهُ فِيكَ: آفرین بر تو باد». (۴۲) همین ابراز محبت اگر از سوی والدین به فرزند باشد می تواند بهترین پاداش برای آنها تلقی شود. خداوند نیز به بسیاری از بندگان صالح خود ابراز محبت می کند. در قرآن آمده است که: «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (۴۳)، «فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (۴۴)، «أَفْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۴۵) و «بَلَى مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ وَاتَّقَى فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (۴۶)

پدر و مادر گرامی نیز باید توجه داشته باشند که تشویق و پاداش نقش موثری در تربیت فرزندان دارد، البته به گونه ای که بداند چرا مورد تشویق واقع شده اند. تشویق باید متناسب با رفتار نیک فرزند باشد، نه بیشتر و نه کمتر از آنچه شایستگی دارد. دوری از افراط و تفریط، و رعایت تعادل نیز از ضروریات تشویق است.

* الگوپذیری و اسوه سازی

تقلید و الگوپردازی از رفتار دیگران یکی از جنبه های روانی انسان است که هر انسان ناگزیر برای یادگیری و آموزش از آن بهره می گیرد. عمومیت و شمول آن در تمام انسان ها سبب شده تا عده ای آن را نوعی غریزه و امری فطری در وجود انسان

بدانند. (۴۷) فرزند شما تقریباً از دو سالگی در تمام زمینه‌ها از شما الگوبرداری می‌کند (۴۸) و برای تقلید و الگوبرداری او نمی‌توان مرز و محدوده‌ای مشخص کرد.

نه تنها شما الگوی رفتاری فرزندتان هستید که اطرافیان نیز می‌توانند این نقش را ایفا کنند. اقوام، خویشان، عمّه و عمو، خاله و دایی و ... هر یک به نحوی در شکل‌گیری شخصیت فرزندتان نقش دارند. به همین خاطر است که در «روایات انتخاب همسر» (۴۹) آمده است که دقت کنید؛ با ازدواجتان چه کسی را خاله و دایی فرزندانتان قرار می‌دهید! چرا که آنها الگوی رفتاری فرزندانتان خواهند شد و در تربیت آنها نقش دارند.

برقراری روابط عاطفی و دوستانه با دیگران نیز در تربیت فرزندان بی‌اثر نیست. در طی این روابط و معاشرت‌ها، فرزندان هر چه را می‌بینند و می‌شنوند عیناً می‌پذیرد و اجرا کند. بدون اینکه به خوب یا بد بودن آن توجهی داشته باشد. این پیروی و تبعیت بی‌دلیل از دیگران بسیار خطر آفرین است. حضرت ابراهیم (ع) به قومش فرمود: «هَلْ يَسْمَعُونَكَ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكَ أَوْ يَضُرُّونَ: آیا هنگامی که این‌ها بت‌ها را می‌خوانید، صدایتان را می‌شنوند. یا می‌توانند به شما سود و زبانی برسانند؟» مشرکان گفتند: «قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَالِكَ يَفْعَلُونَ: ما پدران و مادرانمان را دیدیم که چنین می‌کردند. (ما نیز از آنها تبعیت می‌کنیم)» (۵۰) گاهی تقلیدهای فرزندان از بزرگان‌شان اینگونه بی‌دلیل و بی‌چون و چرا است که آنها را به انحراف و گمراهی می‌کشاند.

ما باید در دوستی‌ها و روابط خانوادگی با دیگران دقت بیشتری به خرج دهیم. فرزندانمان را به برقراری دوستی با افرادی توصیه یا برحذر داریم. این روش را قرآن به ما آموخته است. چرا که انسان‌های بدعاقبتی همچون ابولهب (۵۱) را منفور افراد می‌سازد و از سوی دیگر، همه را به الگوگیری از افرادی همچون حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) توصیه می‌کند.

هرچند حسّ الگوپذیری در فرزندان اجتناب‌ناپذیر است، اما والدین گرامی نیز نباید از «اسوه‌سازی» و معرفی الگوهای مناسب به فرزندانشان کوتاهی کنند.

در قرآن، پیامبر اسلام (ص) به طور مطلق (۵۲) و حضرت ابراهیم (ع) نیز در توحیدگرایی و ستیز با شرک و بت‌پرستی (۵۳) به عنوان الگو و اسوه معرفی شده‌اند. ما نیز باید فرزندانمان را به تبعیت از سیره معصومین (ع) فراخوانیم. علاوه بر این، معرفی الگوهای عملی و قابل مشاهده برای فرزندان بسیار موثر است. این امر سبب آسان شدن پذیرش یک رفتار از سوی فرزندان می‌شود.

فراموش نکنید که تنها معصومین(ع) می توانند الگوهای کامل و مطلق برای فرزندانمان باشند. اگر افراد دیگری را نیز برای فرزندانمان الگو قرار می دهید، بهتر است به رفتارهای پسندیده آنها اشاره کنید تا فقط در همان رفتارها به عنوان الگو معرفی شده باشند.

* مراحل اصولی برای جذب کودک به نماز:

هر چند برای تربیت دینی کودکان اصولی کلی ذکر شده است که رعایت آنها ضروری است، اما آشنا کردن کودکان به نماز نیاز به رعایت نکات خاصی دارد که ذکر آنها خالی از لطف نیست. کلی گویی و عدم ارائه روشی کاربردی و عملی در تربیت کودکان، یکی از مشکلات والدین در مسیر تربیت فرزندان است. این ابهام و کلی نگری، گاهی به حیرت و سردرگمی والدین یا برداشت شخصی ایشان از روشهای ارائه شده منجر می شود که پیامدهای خوبی را به دنبال ندارد. بنابراین، ارائه روش های کاربردی و زمانبندی شده از ضروریات به نظر می رسد. هر برنامه تربیتی برای نتیجه بخشی ناگزیر سیری را طی می کند. برای علاقه مند کردن کودکان به نماز نیز یک سیر تربیتی لازم است که می توان آن را در مراحل پیش رو ارائه داد:

* مرحله تعلیمی (آموزشی)

در روایات اسلامی به آموزش نماز به کودکان توجه و تاکید شده است. امیرالمومنین(ع) می فرماید: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ: نماز را به فرزندانان بیاموزید».(۵۴) همچنین امام صادق(ع) می فرماید: «فَإِذَا تَعَلَّمَ الوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ عِزٌّ وَجَلٌّ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ: چون فرزندی وضو و نماز را یاد گیرد، خداوند ان شاء الله، پدر و مادر او را می آمرزد».(۵۵)

در آموزش و تعلیم همواره به چند عامل توجه ویژه ای می شود: ۱- گروه سنی، ۲- میزان استعداد و سطح توانایی در یادگیری افراد، ۳- علاقه و اختیار افراد و ۴- روش و طریق آموزشی. امروزه با لحاظ این عوامل، برای هر گروه سنی کتابهای ویژه ای با سبک های متفاوت نوشته می شود. آموزش نماز نیز از این امر مستثنی نیست. توجه به سن، و ارزیابی استعداد افراد کمک زیادی در رسیدن به مقصود می کند. در تعلیم و آموزش دینی به خصوص نماز نیز عواملی مثل سن کودک و ... باید مورد لحاظ واقع شوند.

در چه سنی، فرزند خود را به نماز تشویق کنیم؟ در چه زمانی او را به نماز امر کنیم؟ آموزش نماز در چه سنی مناسب است؟ آیا با توجه به مراحل رشد کودک، روش آموزشی نیز دارای مراحل و قابل ارتقا است؟ آیا در روایات اسلامی اشاره روشنی به این مراحل و نحوه زمانبندی آن شده است؟ امام باقر(ع) در توصیه هایی به والدین، به نکاتی اشاره کرده اند که

پاسخ مناسبی برای سوالات فوق است. ایشان می فرمایند: «إِذَا بَلَغَ الْعُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ (لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعَةُ أَشْهُرٍ وَ عِشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ: (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ) سَبْعَ مَرَّاتٍ. وَ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ قُلْ: سَبْعَ مَرَّاتٍ: (صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ). ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أُيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أُيُّهُمَا شِمَالُكَ؟ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ: أَسْجُدْ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ: اغْسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفَيْكَ، فَإِذَا غَسَلَهُمَا قِيلَ لَهُ: صَلِّ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ، فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ، وَ ضَرْبَ عَلَيْهِ، وَ أَمْرَ بِالصَّلَاةِ، وَ ضَرْبَ عَلَيْهَا. فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ عَزْ وَ جَلَّ لَهُ وَ لِوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ: چون پسر به سه سالگی رسید، باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو (لا إله إلا الله). سپس، رهایش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. سپس باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو (محمد رسول الله)؛ و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آن گاه باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو (صلی الله علی محمد و آله). سپس رهایش کنند تا پنج سال او تمام شود. آن گاه از او بپرسند: دست چپ و راست کدام است؟ اگر شناخت، باید صورتش را به سمت قبله برگردانده، به او بگویند: سجده کن. سپس، رهایش کنند تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، باید به او بگویند: صورت و دو دستت را بشوی وقتی آن دو را شست، باید به او بگویند: نماز بخوان. سپس، رهایش کنند تا نه سال او تمام شود. وقتی تمام شد، وضو به او یاد داده شود و بر (ترک) آن، تنبیه گردد و به نماز، امر شود و بر (ترک) آن، تنبیه گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را می آمرزد؛ «إِنْ شَاءَ اللَّهُ!». (۵۶) امام صادق (ع) نیز به زمانی برای آموزش نماز اشاره کرده اند. ایشان می فرمایند: «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ، وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرْتُ أَفْطَرُوا، حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا: ما کودکان خود را وقتی پنج ساله اند، به نماز امر می کنیم؛ ولی شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید. ما کودکان خود را وقتی هفت ساله اند، به روزه وامی داریم؛ به اندازه ای که توان دارند، چه تا نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر. وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار می کنند تا این که به روزه، عادت کنند و توان آن را بیابند؛ ولی شما کودکانتان را وقتی نه ساله شدند، به اندازه ای که توان دارند، به روزه و دارید و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند». (۵۷)



در دو روایت فوق به نکات بسیار دقیقی اشاره شده است که رعایت آنها کفایت می کند:

۱. آموزش نماز باید مرحله به مرحله باشد.

۲. آموزش نماز با مراحل آسانی همچون گفتن «لا اله الا الله» آغاز شود.

۳. آموزش نماز همراه با آموزش آموزه های آن باشد. (رو به قبله بودن و ...)

۴. آموزش نماز تدریجی (طیفی) و قبل از رسیدن به سن تکلیف باشد.

۵. آموزش نماز و مراحل آن متناسب با سن کودک و در توان او باشد.

آموزش نماز باید همراه با اختیار و علاقه کودک باشد.

* مرحله تسهیلی (آسان سازی و انس گیری)

با توجه به اینکه خدانشناسی و خداباوری از امور فطری است، (۵۸) رغبت و تمایل درونی کودکان به شناخت خدا و نمازخواندن طبیعی به نظر می رسد. فطرت پاک خداباوری کودکان، تربیت دینی را آسان و سهل می کند. هم والدین به راحتی می توانند فرزندانشان را با آموزه های دینی آشنا کنند. و هم کودکان، - آن را مطابق فطرت خود می یابند و - از آن استقبال می کنند.

البته والدین گرامی، باید فرزندانشان را به گونه ای - قبل از سن تکلیف - به نماز وادارند که این رغبت و علاقه، تبدیل به انس و الفت گردد. نماز خواندن باید به صورت یک عادت، ملکه و مونس برای فرزند گردد. مونسی که مصاحبت با او آسان، و ترک آن دشوار است. امام صادق (ع) نیز علت اینکه زودتر (قبل از سن تکلیف) باید کودکان را به نماز و روزه امر کرد را همین عادت کردن آنان بیان می کند. (حتی یتعودوا) (۵۹) برای عادت دادن فرزند نیز می توان از تشویق بهره برد.

هرچند فرزندان دارای فطرت خداجویی می باشند؛ اما با این حال، عده ای از فرزندان در بزرگسالی تمایل و رغبتی به نماز نشان نمی دهند. علت اصلی این مساله، مربوط به عوامل محیطی می شود. عواملی که فطرت شخص را از مسیرش منحرف کرده اند.

یکی از لوازم آسان سازی تربیت، سازگاری محیط با نوع تربیت است. اگر فرزند؛ مصادیقی از آنچه به آن امر می شود را در اطراف خود مشاهده کند، پذیرش آن رفتار برایش راحت است. نماز خواندن والدین، اطرافیان، دوستان و آشنایان بسیار

کمک کننده هستند. به همین خاطر است که در خانواده هایی که بزرگان، اهل عبادت و نماز اند؛ به ندرت فرزندان به نماز بی توجهی می کنند.

القائات محیطی، ناخواسته فرزندان را محو محیط می سازند. آنها بدون اینکه فکر کنند، عمل نیک و زشتی را تکرار می کنند. بنابراین، نباید کودکان با محیط های دینی مثل مساجد و مجالس مذهبی بیگانه باشند. والدینی که بین فرزندان با این محافل علاقه ای ایجاد می کنند، در مساله تربیت، کمتر به زحمت می افتند.

فرزندانشان نیز پذیرای تربیت دینی هستند.

* مرحله بینشی (انگیزه سازی)

خداوند راه هدایت را به بندگان نشان داده است و این بندگان هستند که مسیرشان را انتخاب می کنند. هرکس بخواهد، راه مومنان را در پیش می گیرد و هر کس بخواهد راه کفر را پیشه می کند. (۶۰) ایمان امری قلبی است که با اشتیاق و میل همراه است. اکراه، جایگاهی در ایمان قلبی و پایدار ندارد. خداوند در قرآن می گوید: «أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (۶۱) آیا تو مردم را به اجبار و می داری تا ایمان بیاورند؟!».

پدر و مادر گرامی نیز باید زمینه هایی را فراهم کنند تا فرزندان با انگیزه و علاقه قلبی به ایمان و نماز رو آورند. زور و اجبار راه به جایی نمی برد. شاید فرزندان از ترس توبیخ و سرزنش والدین یا بوسیله اجبار آنها؛ به نماز بایستند، اما این نوع تربیت ناپایدار خواهد بود. با گذشت زمان و از بین رفتن زور و اجبار، دیگر نباید انتظار استمرار این رفتار را داشت. بهمین سبب، انگیزه سازی از نکاتی است که والدین گرامی باید به آن عنایت ویژه ای داشته باشند.

هرچند کودکان در سنین پایین تر، از اعمال خود انگیزه ای جز جلب توجه اطرافیان ندارند؛ اما با رشد کودک و بالا رفتن فهم او؛ لازم است - به همان زبان کودکانه - از خداوند، نعمتهای الهی، شکرگزاری و فلسفه نماز خواندن برایش سخن گفت. شاید تشویق در مراحل ابتدایی انگیزه ای برای نماز خواندن فرزند شود اما با رشد فکری او کفایت نمی کند. علاوه بر این، تشویق تا حدی برای انگیزه سازی کاربرد دارد. افراط در تشویق، سبب می شود کودک شرطی شده و در صورت نبودن آن، انگیزه ای برای نماز خواندن نداشته باشد.

ایجاد انگیزه برای کودک در مرحله اول می تواند با تشویق و ترغیب، با هدیه دادن، مشارکت در برپایی نماز، تمجید در مقابل دیگران و ... باشد.

نماز در آئین مبین اسلام دارای اهمیت فوق العاده ای است. نماز انسان را از پلیدی ها دور می کند و راه تکامل را برایش هموار می سازد. بخاطر جایگاه رفیعی که نماز دارد، در سیره پیشوایان توصیه شده است تا فرزندانمان را از کودکی به نماز امر کنید. نماز خوان کردن کودکان، یک فرایند تربیتی است که دقت زیادی را می طلبد. آموزش نماز باید همراه با تشویق و محبت باشد. با بالاتر رفتن سن کودک، پشتیبانی فکری او از لوازم تربیتی می باشد. او باید بداند، چرا نماز می خواند؟ این امر سبب می شود تا تربیت او پایدار باشد.

ما برای نماز خوان کردن کودکان رعایت سه امر را پیشنهاد می کنیم: ۱- آموزش زبانی و عملی نماز به کودک. ۲- آسان سازی نماز خواندن، با تکرار و به وسیله تشویق و ... ۳- پشتیبانی فکری در جهت تقویت خداباوری او.

منبع: خبرگزاری حوزه <http://www.hawzahnews.ir>

معاونت فرهنگی - ستاد اقامه نماز دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)